



۷ اکتبر تاریخ بر ملا شدن دروغ‌های غرب

اضطراری به اسرائیل است. در کنار این کمک‌های مالی ایرنا به نقل از الخلیج لیستی از انواع سلاح‌های اهدایی کشورهای اروپایی و آمریکا به رژیم صهیونیستی را منتشر کرد. در این لیست ارسال حداقل ۴۵ بسته سلاح با هواپیمای باری، ارسال بمب‌های هدایت‌شونده، ماشین‌های جنگی، اعزام ناو هواپیما بر به منطقه، ارسال پهپاد جاسوسی و رزمی و همچنین مستشار نظامی دیده می‌شود. سؤال این است که چرا باید سطح عظیم از تجهیزات و منابع مالی به سرزمین‌های اشغالی ارسال شود؟ آیا هزینه این تجهیزات نباید برای مردم خود این کشورها صرف شود؟ چرا اجازه حمایت از فلسطین داده نمی‌شود؟ استانداردهای دوگانه برای چیست؟ آنچه که بیان شد و سؤالاتی که مطرح شد، نشان می‌دهد حامیان مستکبر رژیم صهیونیستی در طول همه این سال‌ها چیزی را در بوق و کرنا می‌کردند که به آن پایبند نبودند. این جنگ نشان داد آزادی و دموکراسی تنها شوخی بیش نبوده و تنها برای استعمار کشورهای ناتوان مورد استفاده قرار می‌گیرد و مظلومین بدون مقاومت و خودکفایی روزه‌روز بیشتر تحقیر می‌شوند و گزاره‌هایی مانند آن؛ بنابراین توجه کنیم که منطق کنونی بین الملل تنها زور است، این منطق باید تغییر کند و مظلوم حق خود را از ظالم بگیرد و چه‌بسا این جنگ و دستاوردهای آن برای محور مقاومت چه یکی از نشانه‌های این تغییر باشد. سران استکبار جهانی باید بدانند که کارنامه آنها در طوفان اقصی برای همیشه در افکار عمومی مردم آزاده جهان باقی خواهد ماند.

حال استمرار بود. برای سالیان متمادی تبلیغات غربی، یک چهره مردمی، صلح‌طلب و پایبند به قوانین را از رژیم اسرائیل ترسیم کرده بود تا بتواند از بار اشغالگری و نامشروع بودن آن بکاهد و با گذر زمان بر روی فجایع این رژیم سربوش بگذارد. اما اکتبر ۲۰۲۳ همه چیز را بر ملا کرد. حمایت بی‌حد و حصر کشورهای حکام آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه از رژیم جعلی صهیونیستی در عین آنکه مردم این کشورها با آن مخالف بوده و علیه جنایات اسرائیل دست به تظاهرات گسترده زدند، نشان داد شعار حکومت‌های مردمی جز دروغی رنگارنگ نبوده و نیست. مگر می‌شود مردم یک کشور که ادعای دموکراسی دارد به اقدامات حکامش اعتراض کنند اما آنها بر جنایات خود و حمایت از جنایتکار غرب آسیا بیفزایند. سؤال این است شما نماینده کدام مردم هستید؟ سران کشورهای اروپایی و شخص جو بایدن با حضور در سرزمین‌های اشغالی در حین جنگ ثابت کردند که تمام‌قد پشت سر جنایت‌کار و ابر سازمان تروریستی جهان که عدم رعایت حقوق بشر، خشونت و کشتار غیرنظامیان برایش مثل آب‌خوردن است، ایستاده‌اند و حاضر نیستند صدای مردم معترض خود را بشنوند، حاضر نیستند از کمک‌های فراوان تسلیحاتی و مالی خود بکاهند و حاضر نیستند فجایع صورت‌گرفته در غزه را ببینند. به گزارش العالم به نقل از وال استریت ژورنال کنگره آمریکا بودجه ۱۴۸۳ میلیارد دلاری را برای کمک به اسرائیل تصویب کرد و طبق خبرهای دیگر بایدن هم خواستار افزایش این کمک‌ها تحت عنوان بودجه

یکی از ثمرات نبرد طوفان اقصی که در ساعات اولیه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد، نشان‌دادن چهره واقعی شعارهای خوش‌رنگ و لعاب غربی‌ها از آزادی، حقوق بشر و دموکراسی بود. شعارهایی که با حمایت رسانه‌ای آنها را به خورد افکار عمومی جهانی می‌دادند و پایبندی به آن را عامل موفقیت‌های خود معرفی می‌کردند. درحالی که حمایت‌های آنها از رژیم اشغالگر قدس در این جنگ، نشان داد پشت نقاب دموکراسی آنها چهره‌ای مستکبر نهفته است. طوفان اقصی در حقیقت باعث ایجاد دو قطب در جهان شد، قطب آزادگان و مستکبران. این جنگ بسیاری از کشورهای جهان را وادار به واکنش کرد و این کشورها با موضع‌گیری خود به یکی از این دو قطب وارد شدند. البته باید اشاره کرد که کیفیت این موضع‌گیری و همراه بودن حرف و عمل کنش‌های مختلفی را از سوی این کشورها ایجاد کرد. در این میان، وجود رسانه‌های جهانی و قابلیت مخابره اخبار لحظه‌به‌لحظه این نبرد، باعث شد افکار عمومی هم از جزئیات باخبر شوند و بتوانند تا حد زیادی، صدق و کذب رسانه‌های دارای سوگیری را تشخیص دهند. آنچه که در این نبرد حقیقت بود، ظلم و نسل‌کشی بی‌حد رژیم صهیونیستی بود که از سال ۱۹۴۸ آغاز شده بود و اکنون در سال ۲۰۲۳ آشکارتر و شدیدتر از همیشه در

◀ سرمقاله



حمیدرضا سلطانیان

حکومت بزرگ اسلامی

امام روح الله

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.



صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۹۵

متاستاز بهائیت

حسین طالبی

رژیم طاغوت و اسلام‌ستیزی در حال تشویش اذهان عمومی بوده است. و خب این دسیسه بهائیت و صهیونیسم می‌باشد. بخصوص بهائیت که به دلیل رانده شده از جامعه ایرانی، در حال فعالیت در کشورهای اروپایی و آمریکایی شده است و برخی بهائیان با همین اهداف سعی در تضعیف کردن چهره بین‌المللی جمهوری اسلامی داشته‌اند و با انواع برنامه‌های اسلام هراسانه و اعمال مبتذل و پوشش دادن برنامه‌های ماهواره‌ای ۲۴ ساعته، قدم‌هایی را جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی برداشته است، ولیکن همیشه نتیجه عکس را در قبال داشته است. شبکه تلویزیونی بهایی «من‌وتو» که در تمام دوران فعالیت خود علیه مبانی اسلام، نظام جمهوری اسلامی و تمامیت ایران، برنامه تولید کرده است، اکنون به نفس‌های آخر افتاده است چرا که دیگر خواسته‌های اربابان خود را پاسخگو نیست و در حال پسرفت است. می‌توان از غده سرطانی دیگری به نام بهائیت نام برد که شروع به گسترش کرده است ولیکن باید با هوشیاری و دقت تمام، سعی در نابودکردن آن برداشت. بهائیت نیز حالت صهیونیسم را دارد و معهد بهائیان در رژیم صهیونیستی خلاصه می‌شود و این دو با هم رابطه مستقیمی دارند و برای یهودیان بوده‌اند که با اعمال خود به کیش سراسر کذب بهایی گرایش پیدا کرده‌اند و در واقع پدیده «یهودیان مخفی» (انوسی‌ها) نقش مؤثری در پیدایش و گسترش بابی‌گری و بهایی‌گری داشته است و برخی از یهودیان که از آیین خود برگشته بوده‌اند به این کیش گرویدند.

قریب به سیزده سال پیش، شبکه‌ای ماهواره‌ای توسط دو تن از بهائیان ایرانی خارج از کشور، در لندن تأسیس شد و با برنامه‌های سرگرمی - علمی و سیاسی شامل مستندها، فیلم‌ها، سریال‌ها، اخبار و گزارش‌ها، پا به عرصه شبکه‌های ماهواره‌ای نهاد. اما هدف در پشت پرده، چیز دیگری بود. هدف اصلی و نیرنگی که در پوشش یک شبکه انجام می‌شد، چیزی فراتر از مستند و خبر بود و آن، دروغ‌پرازی و افترا بر علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است. البته اگر بخواهیم یک دید کلی و جامعه‌تر به موضوع، نگاهی بیندازیم، در کل اساس و ریشه تمام شبکه‌های ماهواره‌ای بر این است که آنان از میان مثلاً ۱۰ خبری که عنوان و بیان می‌کنند، ۹ خبر را راست و مطابق واقعیت بیان می‌کنند و یک خبر باقی مانده، که غلط و کذب است را چنان پررنگ و برجسته جلوه می‌دهند که تمام افراد آن خبر را نیز راست بیندارند و بگویند که این ۹ خبر که صحیح بود، آن یکی هم صحیح است و یک جو روانی بر مخاطب سایه افکند و این همان می‌شود که از آن با نام جنگ روانی و جنگ نرم نامبرده می‌شود که در این جنگ، دیگر نیازی به سلاح و انبار مهمات نیست، بلکه همین فضای مجازی و دنیای فناوری اطلاعات و این فضای سایبری‌ای که در جهان همه را به خود مشغول داشته است، از ابزارهای مهم جنگ نرم قلمداد می‌شوند و این‌گونه قبل از حمله نظامی علیه یک کشور، شهروندان یک کشور تحت نیروی کشور متخاصم درمی‌آیند. در طی این سال‌ها این شبکه با تبلیغات دروغ و نشر اکاذیب بر سود



مسئولین پرافاده!
هر وقت دیدید خدای ناکرده خط مدیریت مملکت دارد به سمت سروران حکومت‌کننده جدای از مردم، تافته‌های جدا بافته، پرتوقع، پرافاده و بیکاره و بی‌ثمر حرکت می‌کند، بدانید که انقلاب منحرف شده است.

سید محمد حسینی بهشتی، جاودانه تاریخ (گفتارها)، ص ۱۶۵.

از گذشته برای امروز

مسئولین پرافاده و بیکاره و بی‌ثمر!

برادرها و خواهرهای عزیز! تداوم این انقلاب در این است که دیگر مسئولان مملکت در هر سطحی که هستند، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزراء، معاون‌ها، مدیرکل‌ها، رؤسا، در مرکز، در مراکز استان، در شهرستان‌ها، در بخش‌ها و... همه باید بو و رنگ مردم را بدهند و داشته باشند. هر وقت دیدید خدای ناکرده خط مدیریت مملکت دارد به سمت سروران حکومت‌کننده جدای از مردم، تافته‌های جدا بافته، پرتوقع، پرافاده و بیکاره و بی‌ثمر حرکت می‌کند، بدانید که انقلاب منحرف شده است.

سید محمد حسینی بهشتی، جاودانه تاریخ (گفتارها)، ص ۱۶۵ / تشکیلات بهشتی،

ص ۳۷۵-۳۷۶



manoto

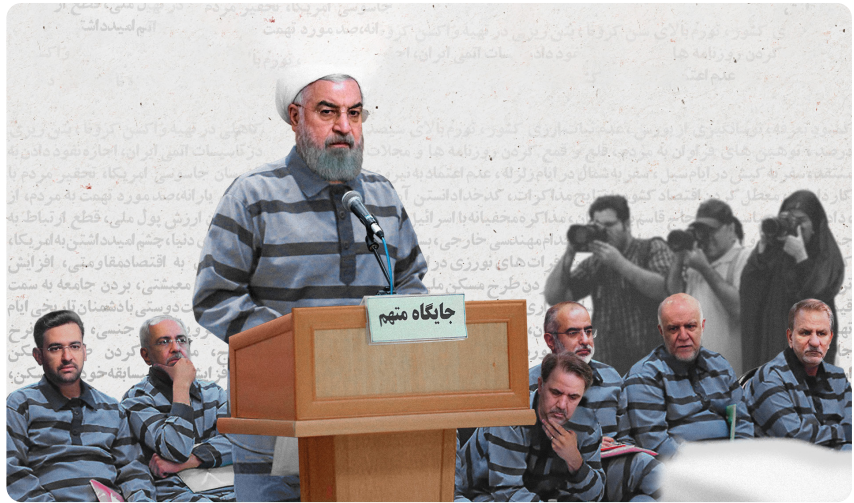
(من‌وتو) به پایان راه رسید.



ماهنوز خواهان محاکمه هستیم! عمل به مَرِّ قانون

سید معین الدین قدسی

رضا ثقفی‌نیا



کشور برابر است» در این بحث که اگر مسئولین مرتکب جرم شوند باید در دادگاه‌ها محاکمه شوند شکی نیست؛ اما مسئله جایی مطرح می‌شود که آیا می‌توان مسئولین را به‌خاطر سیاست‌هایی که اجرا کرده‌اند یا ترک فعل‌های صورت گرفته باید محاکمه کرد؟ قطعاً مشخص کردن مصداق برای ناکارآمدی امری مشکل است؛ اما به‌هر حال می‌توان با توجه به عرف مدیریت کشور و دنیا و با توجه به همه مسائل کشور معیارهایی در نظر گرفت. در قوانین ما ضمانت اجرایی که برای این تخلف‌ها و سیاست‌های غلط و حتی ترک فعل‌ها در نظر گرفته شده است، اعمالی مثل استیضاح و عزل می‌باشد که در طبیعت حقوق اداری و سیاسی ما بسیار منطقی و به جا است. اما محاکمه و مجازات بحث دیگری است که در آن بسیار اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری معتقد هستند که این امر ممکن نیست چرا که اگر مسئولین را به‌خاطر سیاست‌های غلط محاکمه کنیم، مسئولین آینده در اجرای سیاست‌های خود با تردید رفتار می‌کنند و این امر کشور را دچار ضعف می‌کند. البته در طرف مقابل، گروهی معتقد هستند که الزاماً مجازات خاطی، موجب سستی در اراده شخص تالی نمی‌گردد، و از قضا موجب افزایش حساسیت و حس مسئولیت‌پذیری وی در قبال قوانینی که ملزم به اجرای آنها است، می‌گردد؛ بنابراین اصل عدم تعمیم مجازات جرم به ثالث ادعای گروه قبل را نقض می‌کند. وقتی مسئولین ما از فیلترهای مختلف و سختگیرانه عبور می‌کنند و نهایتاً با رأی مردم وارد این جایگاه مهم می‌شوند، این به نشانه اعتماد به سیاست‌هایی است که او در نظر گرفته است. پوشیده نیست که نمی‌توان دولت، حکومت و مسئولینی را بدون هیچ سیاست غلطی تصور کرد، پس چنانچه این سیاست‌ها سهواً و بدون هیچ سوء نیتی انجام پذیرد، محاکمه مسئولین می‌تواند باید سنجیده صورت گیرد. اما چنانچه روشن شود که مسئولین سیاست‌هایی را اجرا کرده‌اند که به نفع شخصی و نفع غیر مردم انجام شده است، یا با آگاهی از ضرر واضح و روشن به مردم و نظام اسلامی انجام شده باشد، محاکمه آنها وارد و منطقی می‌باشد. در نهایت بحث باید گفت که لازم است تحقیقات گسترده و دقیق توسط نهادهای مربوطه انجام شود که تا حد ممکن ناکارآمدی‌های رخ داده روشن شود و بتوان بر اساس آنها تصمیم لازم، گرفته شود. در اعصار سیاسی ایران، همواره یک تجربه چندین بار تکرار می‌شود و عبرت‌گیری تاریخی از آن به دست نمی‌آید، درحالی که تجربه فوق‌العالم...

در کوچه و خیابان راه می‌رویم زخم و دردها را به نظاره می‌ایستیم و کماکان به سؤال‌های بی‌پاسخ امروز می‌اندیشیم. در هیاهوی و بمب اخبار هر چه گشتیم خبری از محاکمه بانین اصلی ناکارآمدی و هزینه‌های درد امروز نبودیم... به‌راستی چه کسی پاسخگوست! سؤال جامعه این است که چرا هر کس به مسئولیت رسید، در ازای ناکارآمدی خود پاسخگو نیست، و بر اساس این ناکارآمدی محاکمه نمی‌شود؟ اگر بانین وضع موجود علناً محاکمه شوند، آیا این تلنگری برای مسئولین حال و آینده نمی‌شود تا به خود بیایند و مسئولین سابق را درس عبرتی برای خود قرار دهند؟ مسئول بحران‌های اقتصادی، بیکاری و فساد که نتیجه سیاست غلط برخی از مسئولین است، کیست؟ پاسخگوی وعده‌های داده شده‌ای که بادهوایی بیش نبود چه کسی است؟ این نگرانی‌ها آن قدر جدی است که آقای رئیسی هم چندی قبل در جمع مردم لرستان تأکید کرد: «از بانین وضع موجود نباید استفاده شود». گره‌زدن همه مشکلات کشور به برجام و چشم دوختن به دست غرب و آمریکا که نتیجه‌ای جز تحمیل رکود شدید به بخش‌های مختلف نداشته است، و بی‌توجهی به توان نیروهای خلاق بومی از سوی دیگر که بر همین اساس بسیاری از بنگاه‌های تولیدی ظرفیت کارشان را به یک‌سوم حالت عادی تقلیل دادند و عذر هزاران کارگر را خواستند. تورم بی‌سابقه بالای ۴۰ درصد برای چند سال متوالی، کاهش ارزش پول ملی، افزایش چندبرابری قیمت مسکن، و در نتیجه کوچک شدن سفره مردم؛ فاجعه آبان ۹۸ که در نتیجه حماقت مسئولین و کشته شدن افراد زیاد که در نتیجه این بی‌کفایتی اتفاق افتاد، درحالی که رئیس‌جمهور مظلوم ما خودش صبح جمعه باخبر شد... فقط تعدادی از بی‌کفایتی‌های مسئولین دولت قبل است که برای ایجاد بحران‌های جدی برای نظام جمهوری اسلامی کافی بوده است. بسیاری از افراد جامعه خواستار محاکمه جدی بانین این وضعیت می‌باشند. این کمترین خواسته‌ای است که می‌توان داشت. اگر بخواهیم به‌خاطر ناکارآمدی‌ها و اشتباهات، مسئولین را محاکمه کنیم نباید بین دولت‌ها و احزاب مختلف فرق بگذاریم؛ اگر سیاست‌های اشتباه اقتصادی که در دولت یازدهم و دوازدهم اجرا شده است، بدون مطالبه و محاکمه باقی بماند نتیجه آن می‌شود که در دولت‌های بعدی هم این دور باطل ادامه پیدا کند. اما آیا به لحاظ حقوقی این امر ممکن است؟ آیا مطالبه و پیگیری قانونی امکان دارد؟ طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد

چند روز پیش اخبار نتایج بررسی صلاحیت‌های داوطلبان دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی منتشر شد. در این مرحله از فرایند انتخابات هیئت‌های اجرایی نسبت صلاحیت نامزدها اعلام نظر کردند. در این بین طبق معمول برخی از کسانی که تأیید صلاحیت نشده‌اند، با مظلوم‌نمایی و یارکشی رسانه‌ای سعی در محق جلوه‌دادن خود دارند تا با فراقنی و جنجال آفرینی، در مسیر و فرایندهای قانونی انتخابات سنگ اندازی کنند که بایستی در این موضوع به نکاتی چند توجه کنیم:

هیئت‌های اجرایی به وظیفه و تکلیف قانونی‌شان عمل کرده‌اند. ورشکستگان سیاسی قصد دارند با هياهو و غوغاسالاری، بر اقدام قانونی هیئت‌های اجرایی اشکال و خدشه وارد کنند و در ذهن مردم چنین وانمود کنند که نگاه دستگاه‌های نظارتی، جناحی است و اساساً ارزشی ندارد، اما با مراجعه به قانون و ارزیابی و بررسی عملکرد دستگاه‌های ناظر بر انتخابات، بطلان این ادعا بیش از پیش بر ما روشن می‌شود و درمی‌یابیم که ناظران انتخابات بر اساس معیارها و ملاک‌های مندرج در قانون، در حیطه صلاحیت داوطلبان اعلام نظر و عمل می‌کنند.

هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که انتخاباتی برگزار شود؛ اما نظارتی بر آن نباشد. سلامت و امنیت انتخابات تابع وجود نظارتی دقیق، سازنده و تضمینی است. غرب‌زدگانی که به‌دروغ شعار «انتخابات آزاد» را سر می‌دهند و با نظارت استصوابی مخالف‌اند، بروند ببینند در کجای دنیا حتی در قریله‌ی آلمان‌شان که کشورهای غربی است. نظارت بر انتخابات وجود ندارد. نظارت نافه آزادی نیست. جمهوری اسلامی ایران مفتخر است که آزادترین انتخابات را در جهان دارد.

شایان ذکر است که فرایند احراز صلاحیت به طور کامل پایان نیافته است و در مرحله‌ی پیش‌رو هیئت‌های نظارت در خصوص صلاحیت داوطلبان اعلام نظر می‌کنند. در این مرحله حتی ممکن است که هیئت‌های نظارت نظری برخلاف نظر هیئت‌های اجرایی داشته باشند که در این صورت نظر هیئت‌های نظارت اعمال می‌شود.

در پایان خاطرنشان می‌کنیم که نباید بگذاریم انقلاب دست ناهلان و نامحرم‌ان بیفتد. برای این مهم، دستگاه‌های نظارتی و مردم وظیفه‌ی خطیر و سنگینی دارند تا با پاسداری از انقلاب، دشمنان داخلی و خارجی را ناکام گذارند.

هنوز در مقابل برخی شخصیت‌ها مرعوبیم. هنوز اگر کسی وزیر، وکیل، نماینده مجلس یا تخصص وزیر شد تصور می‌کنیم که قدرتی دارد و مقام برتر است. حتی کسی که خودمان انتخاب کردیم و به اعتبار قدرت ما این مقام را به دست آورده مرعوبش هستیم



در رثای دستگیری فرزندان معاون اول قوه قضایه

بهنام عبادی خوش

۱۰ شهریور امسال رسانه صدای ایرانی صدا آمریکا ادعای دستگیری و محاکمه دو تن از فرزندان معاون قوه قضایه را می‌دهد. در ادعای این رسانه معاند فرزندان حجت‌الاسلام مصدق ۲۸ تیرماه به عنوان متهم در شعبه ۱۳ بازرسی دادسرای جرایم اقتصادی احضار شده‌اند. کم‌کم افکار عمومی متوجه این موضوع می‌شود و واکنش‌هایی در فضای مجازی نسبت به این خبر انجام می‌گیرد. در این بین اما هیچ واکنشی از سمت قوه قضایه صورت نمی‌گیرد و این موضوع در سکوت کامل خبری پیش می‌رود. تا اینکه با تأخیر حداقل دوماهه، آقای سخنگوی قوه قضایه در تاریخ ۱۸ مهر لب به میان‌گشود و از پرنده فرزندان مصدق پرده برداشت. در این موضوع قوه قضایه باید از روز اول کاملاً صریح و شفاف واقعیت را برای مردم توضیح می‌داد. چرا ما این خبر مهم را باید ابتدا از صدای آمریکا بشنومیم؟! نکند آقایان بهانه مصلحت را وسط کشیده و قصد لاپوشانی داشته‌اند؟! و اما در خصوص حجت‌الاسلام مصدق باید گفت سکوت سنگین ایشان ناجبا است. آقای مصدق لاقبل باید استعفا بدهند. سؤال ما از ایشان این است که آیا شما فرزندان را نمی‌بینید؟ متوجه نیستید این‌هایی که سوار بر پورشه‌های آن چنانی و رفت‌وآمدهای بی‌سروصدا و مشکوک هستند شاید کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه داشته باشند؟ آیا کسی که با آن سابقه درخشان در قوه قضایه چنین جرمی (بر فرض بی‌اطلاعی!) در دامانش رخ می‌دهد و متوجه نمی‌شود صلاحیت معاونت قوه را دارد؟! اما اینکه اصلاً چرا از این دست اتفاقات می‌افتد و هر از چند گاهی خبر جرایم اقتصادی فرزندان مسئولین به گوش می‌رسد قصه‌ای دراز دارد و از حوصله این متن خارج است. فقط به نکته‌ای کوتاه و دردناک اشاره‌ای مختصر می‌شود: قانونی داریم تحت عنوان: «رسیدگی به داری مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» در این قانون رسیدگی به اموال فرزندان تحت تکفل مسئولین ذکر شده. قید فرزندان تحت تکفل در آیین‌نامه اجرایی قانون، پسران کمتر از ۲۵ سال که شاغل و متأهل نیستند تعریف گردیده. به عبارتی تقریباً امکان نظارت بر اموال فرزندان مسئولین نیست. تا وقتی که اصلاحی در این امر اتفاق نیفتد ما هر روزه شاهد این اتفاقات تلخ و ناامیدکننده در مورد فرزندان مسئولین خواهیم بود...



حق و مصلحت یا حق و باطل؟

محمدجواد مولوی

نتوانسته است مفهوم مصلحت را همان گونه که هست به روی پرده به نمایش درآورد و آن چیزی که به عنوان مصلحت از آن نامبرده می‌شود بعد از گذشت یک‌سوم از فیلم تبدیل به جدال حق و باطل می‌شود و در چنین شرایطی است که مخاطبان قاطعانه به سمت حق گرایش پیدا می‌کنند.

بسیاری از منتقدان قهرمان‌سازی فیلم را یکی از حسن‌های مصلحت می‌دانند؛ اما مشکل آنجاست که قهرمان‌پروری با اصل ایده داستان تناقض دارد چرا که اصولاً قهرمان از جدال حق و باطل سر بیرون می‌آورد و از دل این جدال است که مخاطب خود را همراه و همدل با قهرمان داستان می‌بیند؛ اما در جدال حق و مصلحت، فضا نه سیاه است و نه سفید و در یک فضای خاکستری است که کشمکش‌های وجدانی آغاز می‌شود.

البته که داستان ساخته شده توسط دارابی ذاتاً توانایی ایجاد چنین کشمکشی را نیز ندارد؛ چرا که بر اساس روایت فیلم، مصلحتی که باعث رفتارهای خلاف حق نیروهای دادرسی شده است، حفظ موقعیت یک جناح سیاسی و آبروی افراد شاخص است که قطعاً نمی‌تواند موقعیتی مه‌آلود ایجاد کند.

با وجود این انتقاد اما مصلحت یکی از کامل‌ترین فیلم‌های جشنواره‌های اخیر است و در شرایطی که برخی از فیلم‌های جشنواره فجر، از حداقلی‌ترین استانداردهای فیلم‌سازی نیز بی‌بهره هستند، تجربه مشترک سازمان هنری اوج و باشگاه سوره را می‌توان یکی از قابل‌قبول‌ترین فیلم‌های جشنواره اخیر و یکی از بهترین فیلم‌های سیاسی تاریخ سینمای ایران دانست.

داستانی جذاب، شخصیت‌پردازی کم‌نقص و بازی‌های فوق‌العاده همراه با فضاسازی‌های قابل‌قبول، مصلحت را به یکی از فیلم‌های موردتوجه جشنواره سی و نهم فجر تبدیل کرد و در نهایت توانست دیپلم افتخار بهترین فیلم اولی را برای حسین دارابی به ارمغان بیاورد. اما آیا داستان فیلم همان چیزی بود که از آن انتظار می‌رفت؟

دوگانه حقیقت یا مصلحت چالش همیشگی در طول تاریخ است. چالشی که دامنه‌اش تا مسائل فلسفه اخلاق نیز گسترده شده و در موضوع نسبی یا مطلق بودن اصول اخلاقی تکرار شده است. در باور اولیه، همه انسان‌ها در میان دوگانه حقیقت یا مصلحت، بی‌شک حقیقت را انتخاب می‌کنند؛ اما مثال‌ها و موقعیت‌های خاصی در فلسفه اخلاق تبیین شده است که اغلب موید باور عملی ما به نسبیت اصول اخلاقی است. برای مثال تصور کنید؛ دو گروه انسان در حال خطر هستند و شما توانایی نجات تنها یک گروه را دارید و در گروه اول ده نفر حضور دارند و در گروه دوم صد نفر، شما کدام گروه را نجات می‌دهید؟ حتماً گروه دوم!

حال تصور کنید در میان گروه اول پنج نفر از ده نفر جزو خانواده خودتان هستند، باز هم قطار دوم؟! اگر گروه اول پنجاه نفر کودک و نوجوان و دومی صد نفر کهن‌سال باشد، چطور؟!

در این شرایط است که مصلحت‌سنجی به‌عنوان امری مشروع پذیرفته می‌شود. حال دوباره به سؤال ابتدایی بازگردیم که آیا داستان فیلم همان چیزی بود که انتظار می‌رفت؟

حسین دارابی به‌عنوان نویسنده و کارگردان این اثر